



عکس: AFP

اسرائیل از کودکان فلسطینی انتقام می‌گیرد

می‌کردند. ۱۰ دقیقه بعد مرا روی برانکار گذاشتند. این اتفاق روز جمعه افتاد. من از درد بیهوش شده بودم. روز یکشنبه بود که به هوش آمدم و خودم را در بیمارستانی در اسرائیل دیدم.

او می‌افزاید: «دکتر گفت تو داشتی می‌مردی ما تو را نجات دادیم. به او گفتم فهمیدم که ضربه خورده‌ام. ۱۸ روز را در بیمارستان گذراندم. آنها دست و پای مرا بسته بودند. خیلی رنج کشیدیم. از من بازجویی کردند. قبل از اینکه به من کمک کنند از من سؤال می‌کردند چرا آنجا بودی؟ آنجا چه کار می‌کردی؟ بعد مرا با برانکار بردند... ۱۰ روز بعد آمدم و دوباره بازجویی کردند. به خانواده‌ام اجازه نمی‌دادند مرا ببینند. من در بیمارستان بودم ولی کسی از من خبر نداشت.

او می‌گوید: «من از اشغالگران نمی‌ترسیدم. توی حال خودم بودم. وقتی سربازان آمدند فهمیدم که باید به خانه بروم. اما بعد ناگهان خودم را دیدم که روی زمین افتاده‌ام. من نه کاردی داشتم و نه چیزی دیگر. در زمینی کنار شهرک «بنی‌نعیم» بودم. زیدات آرزو دارد دوباره بتواند به مدرسه برگردد. می‌گوید: «ان‌شا‌الله دوباره به مدرسه برمی‌گردم. من کلاس نهم هستم. دوست دارم دوباره به مدرسه برگردم».

پدر این کودک دوره بازداشت پسرش را این‌طور تعریف می‌کند: «خیلی مرحله دشواری بود. رفتن اسامه خلا بزرگی را در خانه به وجود آورده بود». این پدر که خود معلم مدرسه‌ای است که پسرش در آنجا درس می‌خوانده، می‌گوید: «خیلی بچه شش‌وخی بود. در کلاس شاگرد اول بود. درسش خیلی خوب بود. حضورش در خانه به ما شادی و نشاط می‌داد». پدر که حالا کنار تختی ایستاده که فرزندش روی آن خوابیده است، می‌گوید: «نمی‌توانم دورانی را که بر ما گذشت، توصیف کنم؛ به‌ویژه وقتی فهمیدیم او دچار آسیب شده و وضعی بحرانی دارد. روزها و شب‌ها را می‌شمردیم. بعد از سه ماه، او را ملاقات کردیم. برای ملاقاتش به زندان «رمله» رفتیم. قبل از آن هم او را در دادگاه دیدیم. از فاصله پنج‌متری فقط به مدت دو دقیقه. بعد او را گرفتند و بردند.» او ادامه می‌دهد: «روی تخت به دادگاه می‌آمد. او را با آمبولانس و درحالی‌که دست و پاهایش را بسته بودند، می‌آوردند».

پدر اسامه، تلاش دارد اشک خود را پنهان کند. او احساسش را این‌طور بیان می‌کند: «احساسی توصیف‌نشدنی است وقتی ببینی پسرت زخمی شده است. اینکه تو نتوانی او را در آغوش بگیري. حتی وقتی که در رمله او را دیدیم از پشت یک دیوار شیشه‌ای بود».

مادر اسامه احساس می‌کند عمر دوباره‌ای به فرزندش داده‌اند. می‌گوید: «پسرم به باری پروردگار دوباره به زندگی برگشت. وحشیانه او را زده بودند. پنج ماه زندگی نداشتم؛ چون اسامه نزد من نبود. روزها و شب‌ها را نمی‌فهمیدیم. اسامه بعد از آزادی‌اش یک بار می‌خندید و یک بار گریه می‌کرد. از او پرسیدیم چرا می‌خندی و چرا گریه می‌کنی. گفت چون اینجا هستیم می‌خندم و چون یاد زندان رمله می‌افتم که درد می‌کشیدم و توی سرم می‌زدند، گریه می‌کنم».

اسامه هنوز منتظر روز محکمه‌اش است؛ چون با کفالت آزاد شده؛ کفالتی به میزان ۲۵ هزار شکل (هر شکل معادل ۹۰۰ تومان است). پدرش می‌ترسد پیش از اینکه سلامتی‌اش را به‌دست آورد، او را احضار کنند.

«عسسی قراقع»، یک شهروند فلسطینی دیگر، می‌گوید: اسامه تنها کودکی نیست که بازداشت شده و ضربه خورده است. ما می‌دانیم ۴۰ کودک دیگر مثل او هستند که بعد از کتک خوردن، بازداشت شده‌اند. او که برای دیدن اسامه به بیمارستان آمده، به خبرنگار ما می‌گوید: «بیش از ۴۰ کودک وجود دارند که در داخل زندان‌های اسرائیل هستند. ما به وسیله نیروهای اشغالگر نیز خورده‌اند. تکت‌تیراندازهای اسرائیلی به سمت آنها شلیک کرده‌اند».

او ادامه می‌دهد: «این یک جنایت جنگی است. کودکان فلسطینی را هدف قرار می‌دهند. نیروهای اسرائیلی از کودکان فلسطینی انتقام می‌گیرند».

قراقع توضیح می‌دهد: «در دو سال اخیر، کودکان بیشتر هدف قرار گرفته‌اند؛ چه از این نظر که به صورتی گسترده بازداشت شدند یا کشته و چه از نظر احکام بازدارنده‌ای که از سوی دادگاه‌های نظامی اسرائیل علیه آنها صادر شد. اسرائیل البته همه جامعه فلسطینی را هدف قرار داده است؛ فرقی نمی‌کند آنها با بازداشت می‌کنند یا می‌کشند. می‌خواهند این خشم منقله‌ورشده جوانان را خاموش کنند. جوانان دیگر نمی‌توانند واقعیت اشغالگری و خشونت را تحمل کنند».

بازداشت‌های کودکان

جنبش دادرسی دفاع از کودکان شاخه فلسطین می‌گوید بعد از سال ۲۰۱۵، بازداشت اداری کودکان را تحت‌نظارت قرار داده است. این جنبش

در گزارش خود آورده است که حوادث بین ژانویه ۲۰۱۱ تا اکتبر ۲۰۱۵ را ثبت نکرده است؛ یعنی اتفاقاتی که برای کودکان در کرانه باختری افتاد. در گزارش این جنبش آمده است: «مقامات اشغالگر به قانون‌های فوق‌العاده استناد می‌کنند. آنها از این قانون در بیت‌المقدس استفاده می‌کنند. در بیت‌المقدس شرقی برای اولین بار در ماه اکتبر ۲۰۱۵ بود که از این قانون علیه کودکان استفاده شد». در این گزارش آمده است: «اسرائیل تنها رژیمي در جهان به شمار می‌رود که هر ساله به شکلی برنامه‌ریزی‌شده بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ کودک را در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌کند. این در حالی است که آنها به حقوق اساسی برای یک محاکمه عادلانه نیازمند هستند».

هیئت امور اسرا و آزادشدگان فلسطینی در سازمان آزادی‌بخش، می‌گوید فقط در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰ کودک تحت بازداشت اداری قرار گرفتند. جنبش جهانی دفاع از کودکان در گزارش خود می‌گوید: «معیارهای بین‌المللی مربوط به عدالت، اسرائیل را ملزم می‌کند وقتی کنوانسیون حقوق کودکان را در سال ۱۹۹۱ امضا کرده، باید آن را به اجرا درآورد. در آن کنوانسیون آمده است که محرومیت کودکان از آزادی‌شان باید آخرین راهکار باشد و بازداشت کودکان به شکل قانونی یا بدون برنامه، جایز نیست».

این جنبش نمونه‌هایی را درباره حکم‌های طولانی‌مدت برای کودکان آورده است؛ از جمله حکم «احمد مناصره» ۱۴ساله از «بیت حنیئا» که برای او ۱۲سال زندان به اضافه غرامت مالی حدود ۱۸۰هزار شکل بریدند. یا دو کودک به نام‌های «خلیل ابومیاله» ۱۶ساله و «محمد طه» ۱۵ساله که اهل اردوگاه «شغفاط» هستند و هرکدام به ۱۱ سال زندان و غرامتی معادل ۵۰ هزار شکل محکوم شدند.

به اعتقاد مقامات فلسطینی، اسرائیل احکامی «جابرانه» بر کودکان فلسطینی تحمیل می‌کند؛ یکی از تازه‌ترین آنها، حکم شش سال زندان برای دختری فلسطینی به نام «سار الشویکی» ۱۶ساله و اهل بیت‌المقدس بود که گفتند اتهامش «برنامه‌ریزی برای یک عملیات حمله با چاقو» بوده است.

رئیس باشگاه اسرای فلسطینی می‌گوید: «صودر حکم برای یک بچه آن‌هم ۱۶ سال یک حکم جابرانه است و نشان می‌دهد تا کجا اشغالگران قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند». «مجد ابوصصب»، رئیس کمیته خانواده اسرا در شهر بیت‌المقدس، می‌گوید: «حکم برای منارالشویکی بعد از ۱۴ ماه بازداشت او صادر شد. او را متهم به برنامه‌ریزی برای عملیات حمله با چاقو کردند که اصلا باورکردنی نیست؛ چون او اصلا توانایی چنین کاری را ندارد».

او می‌افزاید: «اشغالگران می‌خواهند به این وسیله جلوی بچه‌ها را بگیرند. آنها احکام سنگین بازداشت علیه کودکان صادر می‌کنند تا به این وسیله پیامی به بقیه داده باشند و بگویند با مشت آهنین با آنها برخورد خواهد شد».

در جریان درگیری‌های اخیر بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها که از اکتبر سال ۲۰۱۵ شروع شد، تعدادی حمله علیه اسرائیلی‌ها از سوی کودکان فلسطینی انجام شد. اسرائیل فلسطینی‌ها را متهم می‌کند که سیاست تحریک کودکان را در پیش گرفته‌اند و می‌خواهند به این وسیله کودکان را تشویق کنند تا در عملیات حمله با چاقو یا پرتاب سنگ مشارکت داشته باشند.

«عوفیر چندلمان»، سخنگوی «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل، در پیامی توییتیِ چند روز پیش ادعا کرد: «این تحریک وحشیانه و برنامه‌ریزی‌شده از سوی دولت فلسطین است. آنها تمام تلاش خود را می‌کنند تا بگویند این نزاع استمرار دارد و از سوی نسل‌های آینده تشدید شده است؛ اما رهبری فلسطین این اتهامات را رد کرده و خواستار فعال‌شدن کمیته سه‌جانبه فلسطینی-اسرائیلی-آمریکایی است. کمیته‌ای که بعد از توافق‌نامه اسلو تشکیل شد و مأموریت یافت اقدامات تحریک‌کننده از سوی هر دو طرف را کنترل کند. آخرین آمارهای فلسطینی حاکی از آن است که حدود هفت هزار فلسطینی در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند که بخشی از آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.

» بازداشت اداری اصطلاح خاصی است که درباره بازداشت‌های اسرائیل به کار برده می‌شود. در این نوع بازداشت‌ها هیچ‌گونه ضابطه‌ای رعایت نمی‌شود. فرد بدون حکم قضائی بازداشت می‌شود و بدون اینکه تفهیم اتهام شده یا دادگاهی برای او تشکیل شود، برای مدت‌ها در زندان باقی می‌ماند. قوانین بین‌المللی چنین بازداشت‌هایی را قبول ندارد و صرفاً آنها را تحت شرایطی خاص مجاز می‌شمارد که احتمال وقوع خطری کنترل‌نشدهی باشد.

منبع: رویترز عربی

لیبی همچنان در باتلاق ناامنی

گرچه انتظار می‌رود با گذشت شش سال از قیام مردم علیه نظام دیکتاتوری لیبی، گذار سیاسی انجام شده باشد، اما این روند با ناامنی و هرج‌ومرج درآمیخته شده و همچنان شاهدیم که شش سال پس از حملات تحت حمایت ناتو و پایان حکومت معمر قذافی، لیبی شبیه «کشوری شکست‌خورده» است.

یکی از ساکنان طرابلس با اشاره به تعداد کثیری جنگ‌سالار و شبه‌نظامی که این کشور آفریقای‌شمالی را از زمان قیام مسلحانه در اواسط فوریه ۲۰۱۱ اداره می‌کنند، گفت: ما از شر یک دیکتاتور راحت شدیم و اکنون ۱۰ هزار دیکتاتور دیگر جای او را گرفته‌اند.

جنگ داخلی یا انقلاب ۲۰۱۱ لیبی که با نام «انقلاب ۱۷ فوریه» نیز شناخته می‌شود، به دنبال بالاگرفتن اعتراضات و راه‌پیمایی‌های خیابانی مخالفان و سپس شورش سراسری علیه حکومت لیبی و رهبر آن، معمر قذافی، آغاز شد و پس از همراه‌شدن با سرکوب شدید و سپس جنگ داخلی، در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۲ میلادی با سرنگونی حکومت قذافی به تحقق رسید.

وضعیت زندگی شهروندان لیبیایی در این سال‌ها به‌شدت وخیم شده و ترکیبی از ناامنی، قطعی برق، کمبود آب، کمبود نقدینگی و سقوط ارزش دینار لیبی بر زندگی آنها سایه انداخته است. شاخه اجرایی و قانون‌گذاری لیبی با ادامه رقابت‌های خشونت‌بار میان جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و قبیله‌ای فلج شده است. مدیر مرکز مدیترانه‌ای مطالعات لیبی در تونس می‌گوید: پیشگامان درک نکردند که هیچ شاخه ایدئولوژیک یا سیاسی یا قبیله‌ای نمی‌تواند به‌تنهایی یک کشور را اداره کند. به همین علت است که این کشور آماده رقابت دموکراتیک «کلاسیک» از طریق انتخابات نیست.

در غیاب یک ارتش قوی، این‌ کشور نفت‌خیز به جولانگاه قاچاقچیان سلاح و انسان تبدیل شده است. رقابت مسلحانه گروه‌های داخلی موجب بروز جنگ داخلی دوم لیبی شده و امیدها برای احیا و بازگشت به دوران امنیت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در پی تشکیل دولت توافق ملی لیبی که دسامبر ۲۰۱۵ در میانجیگری سازمان ملل در مراکش امضا شد، امید آن می‌رفت تا امنیت برقرار شود. اما این‌گونه نشد. اختیارات دولت توافق ملی به ریاست فائز السراج از سوی یک دولت رقیب در شرق لیبی به چالش کشیده شده است. بیشتر شرق لیبی در کنترل نیروهای مسلح به فرماندهی خلیفه ختتر است.

تحلیلگران درباره آینده لیبی و اینکه لیبی به «کشوری شکست‌خورده» تبدیل نشود، چندان خوش‌بین نیستند. یک تحلیلگر در مؤسسه بروکینگز مستقر در واشنگتن می‌گوید: شش سال است که جامعه بین‌الملل برای تشکیل یک دولت متحد و دموکراتیک تلاش می‌کند، اما هیچ پایه و اساسی وجود ندارد که اقدامات آنها بر مبنای آن انجام شود. لیبیایی‌ها باید تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند کشورشان یک «سومالی جدید» شود یا اینکه تصمیمات دشواری بگیرند و در مسیر دیگری حرکت کنند.

یکی از تحلیلگران تیم بحران بین‌الملل هم که چندان نسبت به اوضاع آتی لیبی خوش‌بین نیست، چشم‌انداز سیاسی و نظامی مهم در سال ۲۰۱۷ را بعید می‌داند. او می‌گوید: اینکه آیا تحولات کنونی در لیبی نشانگر این است که این کشور به سمت یک «کشور شکست‌خورده» حرکت می‌کند، عمدتا به وضعیت اقتصادی آنها بستگی دارد. خطر وخیم‌شدن وضعیت اقتصادی لیبی واقعی است.

منبع: اپسنا

ترامپ چگونه به اتاق بیضی شکل راه یافت